مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

عبدالقیوم میرزاده

۲۰۲۱/۰۶/۳۰

وضعیت بحرانی کشوردرتحت شعاع تبلیغات ضدملی

سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI در وجود لشکر نیابتی اش طالبان و غلام بچگان خود فروختهٔ شان که از مدت قریب پنج دهه بدین سو حلقهٔ غلامی پاکستان را بر گردن انداخته اند و در این مدت بار بار کشور عزیزما را تاراج، ویران و برباد کرده و مردم ما را رمه وار قتل عام کرده اند. در جریان سه هفته اخیر حملات وحشیانهٔ وسیع مسلحانه را علیه مردم و قوای مسلح قهرمان کشور ما در سراسر کشور براه انداخته اند که باعث شهادت تعداد بیشماری از مردم و منجمله منسوبین نیرو های مسلح کشور ما گردیدند. ناگفته نماند که این حملات مسلحانهٔ لشکر نیابتی پاکستان با سیل تبلیغات خاینانهٔ ضد دولتی و ضد مردمی از جانب این اجنتان و غلام بچگان سازمان استخبارات نظامی پاکستان جمع بی وجدان ترین افراد که بسیاری شان خود نخستین مسببین تراژیدی افغانستان هم هستند همراه بود. این ها زیر شعار های کاذب حاکمیت تمامیت خواه، جمهوریت دونفره، تاجک و خراسان، فارسی و دری و پشتو، شیعه و سنی و ده ها شعار کاذب دیگر که حتی در عادی ترین اوضاع شیرازهٔ نظم وثبات را در کشور برهم میزند ولی این نابکاران که یقیناً در تحت فرمان اجنبیان و یا نوکران گوش بفرمان شان دانسته و یا ندانسته در اوضاع نهایت ملتهب کنونی که هر آن لشکر وحشی نیابتی ISI همچو سونامی در حال پیشروی در کشور است وهر چه در سر راه شان قرار داشته باشد وحشیانه میبلعند، راه اندازی کرده اند و بدینترتیب با تبلیغات دامنه دارو ذرایع گوناگون مورال رزمی قوای مسلح کشور را تضعیف کرده و مردم را در حالت واهمه، دلهره و سردرگمی قرار داده اند. با آنکه همه بسیار بوضاحت میدانند که حامی و پشتیبان این جنگ پاکستان در همکاری با ایالات متحدهٔ امریکا است. و پاکستان در پنج دهه اخیرجزء قتل میلیون ها فرزند این سرزمین، ویرانی، ترور، وحشت، دهشت، نابودی تمام زیر ساخت های کشور ما و سیل مهاجرت چیزی دیگری برای ما به ارمغان نیآورده است اما رُخ تبلیغات سازمان استخبارات نظامی پاکستان و این نابکاران وابسته و غیر وابستهٔ داخلی همراه با رسانه هایی تصویری و صوتی و شبکهٔ وسیع رسانه های اجتماعی علیهٔ نهاد های امنیتی و رهبری کشور به شدت جریان دارد. اخبار و نشرات بسیاری از تلویزیون های داخل افغانستان با سوء استفاده از آزادی بیان بیشتر و بالاتر از نشرات خود طالبان به نفع طالبان نشرات میکنند. چنان تبلیغات وسیع خاینانه از جانب (افغانها) برعلیه قوای مسلح کشور و حاکمیت دولتی جریان دارد که حتی دست پاکستان را از پشت بسته اند. از لابلای مصاحبات رادیویی، تلویزیونی با دست اندرکاران امور و صفحات رسانه های اجتماعی چنین بر می آید که بسیاری از ولسوالی ها بوسیلهٔ افراد ارتباطی چوکره های مؤتلفین نامقدس داکتر عبدالله عبدالله یا مار های آستین بدون هیچنوع مقاومت به طالبان تسلیم داده شده است. در همچو شرایط بحرانی فرار

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

دوستم به ترکیه و رقعه مریضی ماندنش با آنهمه غُر و فِش عدم دفاع از ساحات تحت نفوذ ش، عمق این توطئه را اشکار میسازد که در عقبهٔ این یورش طالبان بر علاوه پاکستان کدام دست های نامرئی دیگرفعال است.
حوادث روز های اخیر کشور ما بی شباهت با حملات برق آسای داعش یا دولت اسلامی عراق و شام ماه جون سال ۲۰۱۴ عراق و سوریه نیست. پروژهٔ مشترک امریکا، اسرائیل، ترکیه که عربستان سعودی نیز در آن سرمایه گزاری هایی کرده بود بمنظور بی ثبات سازی شرق میانه، فسخ قرار دادهای انرژیتیک چین و جلوگیری از نفوذ ایران و روسیه در شرق میانه بوسیله تروریستان داعش که همه از کشور های غربی سرازیر شده بودند و تعلیم و تربیه و لوژستیک شانرا ترکیه متقبل گردیده بود راه اندازی گردید. و به این ترتیب باعث قتل عام صد ها هزار انسان بیگناه، تخریب همه شهر ها و دهات و زیر ساخت های این کشور ها، آواره ساختن میلیون ها باشندگان کشور های سوریه و عراق شده و برای سالهای متمادی بی ثباتی را در این منطقه به ارمغان آورد.
حالا در کشور ما پروژه بالمثل بوسیلهٔ طالبان نیروی اهریمنی پاکستانی راه اندازی شده است که یقیناً مخارج گزاف این حملات گستردهٔ نظامی که حتی با ثبات ترین وقوی ترین کشور ها توان بالقوه و بالفعل راه اندازی همزمان همچو عملیات های نظامی را ندارند در زد وبند های پشت پرده امریکایان و نظامیان پاکستانی همچنان با استفاده از نفوذ و ریزرف های ترکیه در سراسر کشور ما راه اندازی شده است. این وضعیت بدون کدام ابهام بصراحت میرساند که کشور عزیز ما در معرض تجاوز عریان خارجی برای مقاصد استیلاگرانهٔ امریکا، پاکستان، ترکیه و شرکای شان قرار گرفته است.
در این جای شک نیست که ارگانهای ادارهٔ دولت بنابر دلایل و عوامل متعدد نتوانستند برای حل مسایل کشور ما حامیان وسیع ملی و بین المللی دست و پا کنند. مهمترین عامل در این راستا فعالیت و فشار دیپلوماتیک و نظامی امریکا در تبانی با پاکستان مؤثر عمل نمود و امریکا با فشار مضاعف و تهدید تا سرحد قطع تمام کمک ها پنجهزار زندانی طالب را که نیروی بدین منظور ریزرف در نظر داشت از زندانهای افغانستان در باریکترین وضعیت اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری رها ساخت وبدین ترتیب نیروی بشری این پروژهٔ مرگ و بی ثباتی را تکمیل کرد.
در چنین اوضاع جای نهایت خجالت و سر افگنده گی است برای کسانی که تجاوز عریان خارجی را بدون کدام روپوش و شعاردر وجود گروه شبه انسان بنام طالب مشاهده میکنند ولی هنوز هم نام خود را افغان گذاشته و با شعار های کاذب و ضد میهنی افکار مردم را بیشتر مغشوش ساخته و برای اهریمنان طالب در میان نیرو های مسلح و مردم جلب و جذب میکنند. این افراد نفرین تاریخ را کمایی میکنند زیرا بروایت تاریخ خطرناک تر از این برهه در تاریخ کشور ما وجود نداشته است که وطن و ناموس کشور در معرض تجاوز مستقیم خارجی قرار گرفته و موجودیت کشور ما زیر سوال قرار دارد ولی این نا بکاران دانسته و ندانسته هنوز هم مردم را بسوی تفرقه و افتراق ترغیب میکنند. در بسیاری از کشور های جهان درشرایط مشابه مردم بدون کدام رهنمود دولتی نه تنها کشور متجاوز را تحریم میکنند بلکه تا سرحد تحریم تمام امتعهٔ تولیدی آنکشوراقدام کرده و بدین ترتیب نفرت شان را نسبت به کشور متجاوز نشان میدهند. ولی در کشور ما متاسفانه وضعیت برعکس است اگر پاکستان در وجود طالب و یا سایر گروه های نوکر شان هر کاری بکنند این عدهٔ که در بالا از آنها یاد اوری کردم بار ملامتی همه را به گردن ادارهٔ دولت انداخته و مردم را بیشتر علیهٔ دولت تحریک میکنند تا پایه های متزلزل حکومت بیشتر بلنگد و برعکس دشمن خونی مردم از آن بهره برداری میکنند.
در چنین شرایط جای یک سازمان سیاسی نیرو مند ملی در کشور واقعاً خالی است که در اثرمخالفت امریکایان، موجودیت عناصر مخرب گماشته شدهٔ پاکستان در رده های مختلف ادارهٔ دولت، فشار بنیادگرا های مذهبی و ملایان و عدم درک و آگاهی مردم ما از منافع ملی و منافع همگانی و خاصتاً سیاست بازان و سیاست کاران تا کنون در کشورکدام سازمان سیاسی نیرومند بزرگ ملی افغانستان شمول نتوانست ایجاد گردد و سازمانهای ایجاد شده که چنین ادعایی هم دارند صرف در پوستهٔ چند

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په خیر و لولئ

تن محدود رهبری خود شان مشغول اند و هیچ نوع مؤثریت عملی در اوضاع نابسامان کنونی ندارند. درچنین اوضاع بحرانی و خطرناک هست و نیست حاضر کشورما که مادر وطن اتحاد همه میهندوستان را صرف بخاطر نجات کشور از هیولای تجاوز خارجی مطالبه دارد، بسیاری ازاین سیاست بازان وسیاست کاران برای رهبر شدن و انسجام چانه زنی دارند و این چانه زنی ها سی سال تمام است که بدون وقفه جریان دارد.
در همین گیر و دار بلأخره ظاهراً مردم کشور از ظلم، بی جایی و بی خانمانی و وحشت طالبان تروریست وحشی بستوه آمده اند ویا به هر دلیل دیگر قیام گونه در برابر طالب اسلحه برداشته و در دفاع از محلات شان برخاسته اند؟! حالا اگرسازمان نیرومند سراسری ملی وجود میداشت بدون درنگ انسجام تشکیلاتی، سوق و اداره این نیرو ها را بدوش گرفته و از این سلاح مؤثر میهنی در برابر تجاوز خارجی و تحکیم حاکمیت ادارهٔ دولت در اکناف کشور بهره برداری صورت میگرفت.
تا هنوز من آگاهی کامل از چگونگی تشکیلاتی، عملکرد و برخورد این نیرو های مسلح مردمی ندارم اما از لابلای اخبار منتشرهٔ رسانه های خبری که بیشترین شان زیر نظر سفارت امریکا در کابل و وابستگی شان به میدیای امریکایی به نفع طالب تبلیغات و نشرات دارند بر می آید که در برخی ولایات و محلات، ادارهٔ این تجمعات مردمی را همان جنگ سالاران و زور گویان قدیم تنظیمی و در دست گرفته اند.
اگر این اخبار صحت داشته باشد یقیناً فعالیت این تجمعات میهن پرستانه در کوتاه مدت در اثر معاملات خاینانه این زورگویان تنظیمی و دزدان همچو سال ۱۹۹۶محلات را به پاکستان و طالب میفروشند و در دراز مدت نیز شیرازهٔ نظام و تمامیت ارضی کشور را تهدید کرده و پلانهای تجزیه طلبانهٔ خراسان طلبان ایرانی مشرب و پان ترکیزم ترک ها از رونق بیشتر برخوردار میگردد.
از قراین پیداست که امریکایان تصمیم خروج نیرو هایشان از افغانستان را دارند ولی مصمم اند تا در بهترین حالت حکومت طالبی دست نشاندهٔ خویش را برسر قدرت بیآورند و با دست باز در داخل افغانستان در تجهیز وتربیت تروریستان علیهٔ چین، آسیای میانه، ایران و تهدید فدراتیف روسیه بپردازند و در وجود حکومت طالبی پاکستانی و شر افگنی در میان اویغور ها فضای بی اعتمادی چین – پاکستان را نیز به یک فرصت تبدیل کنند این پروژه با درنظرداشت از مایحصل کشت و قاچاق مواد مخدر بوسیلهٔ طالبان و غارت معادن و منرالهای افغانستان برایشان کم هزینه ترین پروژه است و در بدترین حالت دولت افغانستان را کماکان در حالت جنگ تمام عیار با اهریمن طالب مشغول نگهداشته، تأسیس و انکشاف پروژه های اقتصادی و عمرانی آنرا تحت تأثیر جنگ به رکود مواجه ساخته و در تحت تأثیر فضای جنگ و نا امنی فرصت ها را برای فرار کادر ها و تحصیل یافتگان مهیا خواهند ساخت و تا توان دارند با استفاده از ریزف های خود شان و ریزرف های پاکستانی ها از تحکیم ادارهٔ دولت و حکومت مقتدر ملی مرکزی جلوگیری بعمل میآورند و در همین اوضاع نا بسامان نظامسی – سیاسی آب را گل آلود کرده خود به صید ماهی میپردازند.
بناً هر دو گزینهٔ را که امریکایان در تبانی با پاکستانی ها و شرکای شان برای کشور ما در نظر دارند جزء قتل و کشتار،تخریب، بدبختی، آواره گی، بیچاره گی، بی ثباتی و عدم اطمینان به آینده چیزی دیگری برای ما ارمغان ندارد.
در همین اوضاع و احوال سفرهیئت عالیرتبهٔ دولتی افغانستان به امریکا به دعوت رسیس جمهور ایالات متحدهٔ امریکا صورت گرفت. مدیای جهانی در قبال این سفرچندان توجه ای مبذول نداشته و آنرا یک رویداد بین افغانستان و ایالات متحده امریکا معرفی کردند. پاکستانی ها قبل برآن و در آستانه سفر هیئت افغانی به واشنگتن بیشتر تأکید براین داشتند که هیئت نباید انگشت ملامت بسوی پاکستان دراز کند و مقامات امریکایی را برعلیهٔ پاکستان تحریک کنند و رسانه های داخل کشور نشرات بسیار ضعیفی از این رویداد منتشر کردند، ولی این سفردرمیان طیف های مختلف مردم واکنش های منفی را در قبال داشت. بیشترتحلیل گران و مبصرین همچو رسانه های داخلی این سفر را تضرع حاکمیت بر دوام ماندن قوتهای امریکا دانسته اند و عده ای هم روی تشریفات دیپلوماتیک

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په خیر و لولئ

این سفریاد آوری و قلم پردازی کرده اند ولی کمتر کسی این سفر را از زاویه و یا دید منافع ملی کشور به بررسی گرفته است. به باور من این سفر بیشتر هوشدار هایی را به مقامات امریکایی منجمله کانگرس و دست اندرکاران سیاست خارجی امریکا به همراه داشت، زیرا از قراین پیداست که دیر یا زود پاکستان ناگزیراً منافع چین را نسبت به منافع امریکا در جنوب آسیا ترجیح خواهد داد و همین اکنون برای خروج قوای امریکا از افغانستان دقیقه شماری میکند همچنان سفر هیئت عالیرتبهٔ افغانستان به واشنگتن خاطره هایی سالهای ۱۹۵۱ فعالیت های دیپلوماتیک افغانستان با امریکا را مبنی بر تقاضای تسلیحات و تجهیزات نظامی در ذهن تداعی میکند با این تفاوت که در آنزمان امریکا منحیث فاتح جنگ جهانی دوم و جانشین امپراطوری انگلیس در جهان حکومت میکرد ولی امروز سیر نزولی حاکمیت جهانی اش را میپیماید و قدرت های بزرگی اقتصادی، سیاسی و نظامی چون چین، فدراتیف روسیه، برازیل، هندوستان آلمان و فرانسه جایگاه شان را در معادلات بین المللی مورد بحث قرار داده اند. افغانستان در اوضاع همان سالها و قبل بر آن چندین بار از امریکا تقاضای تسلیحات و تجهیزات نظامی به منظور نگهداشت توازن قدرت در منطقه انجام داده بود که هر بار با تمسخر و استهزای مقامات امریکایی منجمله جورج آر میریل Georg .R.Merrelوزیر خارجه و جورج مکگی Georg Mcgheeمعاون وزیر خارجه وقت امریکا در امورشرق نزدیک و جنوب آسیا دربرابر شاه محمود خان صدراعظم و سردار محمد نعیم خان وزیر خارجه آنوقت افغانستان روبرو شده بود. که برخورد انتونی بلینکن Antony Blinken وزیر خارجهٔ کنونی امریکا در قبال همتای افغانی اش کمتر از سلف اش نبوده است. انکشاف اوضاع در افغانستان وتعاملات بعدی حقایق پشت پرده را بازگو خواهد کرد.

گرچه یکعده نظریه پردازان چپ دیروز کشور ما با شدت و حدت هم نظام، هم طالب، هم جامعه مدنی ، هم سفر و هم حضرو خلاصه همه آنچه است را رد میکنند ولی هیچ پیشنهادی عملی برای برون رفت از مخمصه ندارند. در نظریات شان بیشتر بازی با کلمات مشهود است تا عمل فداکارانه و جانبازانه برای نجات وطن. من هم با همه کاوش ها، مطالعات و بررسی هایی که دراین عرصه انجام دادم و تاریخ جنگ ها و بحران های همانند را در بسا نقاط جهان مطالعه کردم چیزی به جزء از اتحاد مردم بدور حاکمیت موجود دستگیرم نشد. چیزی را که من درشرایط کنونی افغانستان در زیر فشار این همه مداخلات و موجودیت دست باز بیگانگان بوسیلهٔ گماشتگان زر خرید شان در نتیجه این همه کاوش ها منحیث راه حل نشانی کردم همانا اتحاد بدون قید و شرط همه طیف ها و لایه های مردم برای تحکیم حاکمیت مرکزی یا دولت مقتدر ملی، حاکمیت قانون که قدرت وحاکمیت آن درسرتاسر کشوربرای همه افراد جامعه یکسان مشهود و ملموس باشد، میباشد. تاریخ گواه است که مردم با اتحاد شان کمر بزرگترین امپراطوری ها را شکستانده اند. در شرایط کشور ما که حدود هفتاد فیصد باشندگان آنرا جوانان تشکیل میدهد پس این یگانه وظیفهٔ مقدس تحکیم حاکمیت و ایستاده گی در برابر تمام دسایس خارجیان بر میگردد به جوانان کشور و همچنان به سایر لایه ها واقشار اجتماعی. بر جوانان کشور لازم است تا بدون فوت وقت زمام امورانکشافات وضع را دردست گیرند و سازمان نیرومند ملی خویش را هم از لحاظ سازمانی وتشکیلاتی و هم از لحاظ پایه تیوریک وطنی دفاع از مادر وطن در برابر تجاوز عریان خارجی بدون کاپی کاری از ایدیالوژی های شرقی و غربی راه بیاندازند، اداره و رهبری تمام اجتماعات ضد طالبی را در سراسر کشور تحت ادارهٔ قوای مسلح کشور در آورده و از گزند سوء استفاده مغرضانه زورگویان تنظیمی، مافیا، مفسدین و دزدان در امان نگهدارند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ